

تحلیل و بررسی نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری با استفاده از مدل SAR

(مطالعه موردی: استان گلستان)

حیدر لطفی* - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

چکیده

از جمله ابزارهای قدرتمند دولت در زمینه الگوی نظام شهری در هر منطقه که با انگیزه تمرکززدایی صورت می‌گیرد، سازمان‌دهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری است که با تأثیرپذیری از عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و بر بسیاری از معادلات ساختاری از جمله الگوی توسعه تأثیرگذار است. استان گلستان نیز از این قاعده مستثنا نیست و با داشتن چهارده شهرستان روند شهرنشینی مختلفی را گذرانده است؛ از این رو پژوهش در این رابطه امری ضروری به نظر می‌رسد و بدین منظور پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایش میدانی به بررسی و تحلیل نقش تحولات و تقسیمات سیاسی استان گلستان و تأثیر آن بر توسعه شهری در منطقه مذکور پرداخته است. روش به کاررفته در این پژوهش روش تصمیم‌گیری چندمعیاره MADM، و مدل تحلیلی آن نیز بر مدل SAR مبتنی است که برای بررسی میزان اثرگذاری تقسیمات سیاسی جدید (استان شدن گلستان و تفکیک از استان مازندران) از شش بعد توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، انسانی و زیرساختی) استفاده شده است. با توجه به یافته‌ها درمی‌یابیم که براساس روش SAR شهرستان گرگان با ضریب $V_{at=}$ ۰/۶ بیشترین سطح توسعه، و شهرستان کلاله با ضریب $V_{at=}$ ۵/۲۴ کمترین سطح توسعه را بین شهرستان‌های استان گلستان دارد. درواقع، گرگان بیشترین و کلاله کمترین تأثیرپذیری را از تحولات جدید سیاسی استان داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: استان گلستان، تحولات و تقسیمات سیاسی، توسعه شهری، مدل SAR.

مقدمه

امروزه، دولت‌ها و تصمیمات دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی الگوی سلسله‌مراتب و روابط سکونتگاهی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل شهری معتقدند که با تأثیر نافذ و عظیم سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد کلان‌شهرها، دولت‌ها می‌توانند در رشد شهرهای متوسط از طریق تمرکززدایی یا تجمیع تأثیر بگذارند و توزیع متعادل‌تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی - اقتصادی ایجاد کنند (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۳۲). تقسیمات کشوری به دلیل عملکرد و ماهیت خود نوعی سازمان فضایی برای تقسیم‌بندی فضای کشور هستند و موجب تسهیل حاکمیت دولت می‌شوند؛ همچنین برنامه‌های آمایش سرزمین با اهداف متفاوتی در جهت هماهنگ کردن منابع موجود در هر محیط برای دستیابی به بهترین استفاده ممکن از امکانات موجود است (اسکندری، ۱۳۹۶: ۲). از جمله ابزارهای قدرتمند دولت در این زمینه سازمان‌دهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری است. تقسیمات سیاسی فضا به روش‌های مختلفی مانند انتزاع، الحاق، ادغام و ارتقا در سطوح مختلف ناحیه‌بندی سیاسی فضای کشور دچار تغییر می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۳: ۵۶۰) در قالب ارتقای سطح سیاسی، واحد سیاسی اداری پایین‌تر به سطح بالاتر منتقل می‌شود. به‌طور طبیعی، هم‌زمان با ارتقای سطح سیاسی در یک سرزمین، تمام شئون داخلی آن سرزمین نیز با دگرگونی‌هایی همراه خواهد شد (احمدی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۳) از سوی دیگر، تحولات و تقسیمات سیاسی اداری در فضا، رابطه تنگاتنگی با الگوهای رشد و توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی توزیع خدمات شهری در سطح مناطق و نواحی شهری دارد. این تحولات و تقسیمات با هدف بهینه‌کردن مکان‌ها، کارکردها و فعالیت‌ها در سطح فضا صورت می‌پذیرد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶). در بیشتر کشورهای درحال توسعه مانند ایران، ضعف برنامه‌های توسعه شهری رابطه تنگاتنگی با تمرکزگرایی اداری-سیاسی دارد و اعمال این‌گونه سیاست‌ها با محوریت دولت مرکزی تشدیدکننده نیازها و رفع نشدن آن‌ها در نواحی شهری است. طی چهار دهه اخیر در ایران مسائل مربوط به ارتقای سطوح مدیریت سیاسی فضاهای جغرافیایی در قالب شکل‌دهی استان‌ها و شهرهای جدید مدنظر قرار گرفته است. از سوی دیگر، نگرش مدیران سیاسی فضا در شهرهای ایران بر مبنای نظریات سرمایه‌داری و غیربومی طراحی شده است (ذکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). درواقع هدف دولت‌ها از تقسیمات کشوری عبارت است از اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی، نظام سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی، ایجاد وحدت و امنیت، توسعه هماهنگ و پایدار، فراهم کردن زمینه برای عرضه خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، نظارت سیاسی برای رسیدن به هدف‌های ملی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و ناراحتی‌ها و غیره، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود و ایجاد توسعه شهری (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۴).

استان گلستان که در سال ۱۳۷۶ از استان مازندران تفکیک و در نظام سلسله‌مراتبی کشور به‌عنوان استان جدید شناخته شد، از این قاعده مستثنا نبود و شهر گرگان به‌عنوان مرکز استان، تحولات و تغییرات زیادی از بعد توسعه پایدار در تمام ابعاد آن پذیرفته بود. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان اثرگذاری تقسیمات سیاسی کشور (استان‌شدن گلستان) بر توسعه شهری در بین شهرستان‌های استان گلستان است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایش میدانی به آن پرداخته شده است؛ بدین منظور پرسش اصلی پژوهش این است که آیا تقسیمات سیاسی کشور بعد از جدایی استان گلستان به‌عنوان استان مستقل، بر توسعه شهری بین شهرستان‌های استان اثرگذار بوده است؟

مبانی نظری

درآمدی بر تقسیمات سیاسی فضا و توسعه شهری

مفهوم فضا و تحولات فضایی از موضوعات پرچالشی است که در عرصه علوم مختلف نظیر جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری مطرح است. در این بین، به‌منظور تبیین و روشن‌گری در این عرصه، طی چند دهه گذشته رویکرد و مفاهیم مختلفی شکل گرفته است (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). تقسیمات سیاسی فضای یک کشور به‌مثابه قالب سیاسی و مدیریتی فضای ملی است. در واقع تقسیمات فضای ملی جایگاه هر بخش از پهنه سرزمینی را در ساختار فضایی کشور مشخص می‌کند؛ بنابراین، تقسیمات کشوری باید براساس اصول و چهارچوب‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی باشد و به‌منظور کارآمدی هرچه بهتر تنظیم شود و الگوی راهبردی جغرافیایی را براساس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها شکل دهد (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۵). از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمره‌های توسعه در میان بیشتر جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است؛ از این‌رو برنامه‌ریزان با تهیه برنامه‌های محرومیت‌زدایی سعی دارند شکاف‌ها و نابرابری‌ها را کاهش دهند. دولت در چند دهه اخیر، با هدف تسهیل در برنامه‌ریزی توسعه و امکان کنترل بیشتر بر فضای منطقه‌ای و ناحیه‌ای تلاش کرده است تا فضاها را کوچک‌تر کند (لطفی، ۱۳۹۵: ۸۸). در این زمینه می‌توان به نقش مدیریت سیاسی و چگونگی تصمیم‌گیری مدیران در حوزه شهرها در جذب سرمایه‌گذاری بخش دولتی، نقش تصمیمات سیاسی در دریافت خدمات عمومی، نقش تصمیمات سیاسی در ارتقای مکان جغرافیایی به مرکز ناحیه‌ای از طریق تصمیمات سیاسی و تقسیمات کشوری و... اشاره کرد (برهانی، ۱۳۹۲: ۳). طی چند دهه اخیر در ایران به مبحث ارتقای سطوح مدیریت سیاسی فضاها جغرافیایی در قالب شکل‌دهی استان‌های جدید توجه شده است؛ به‌طوری‌که پس از انقلاب اسلامی تعداد استان‌های ایران از ۲۴ به ۳۱ رسید. بدیهی است در این بین چندین شهر به‌عنوان مراکز استان، نقش‌های جدیدی پذیرفتند، شهرهای بسیاری به مراکز شهرستان‌های تازه تأسیس ارتقا یافتند و بسیاری از روستاها به نقاط شهری تبدیل شدند. در این بین، جهت و شدت بسیاری از جریان‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین نقطه شهری تغییر یافت. بالطبع با اعمال چنین تصمیماتی و ارتقای جایگاه این شهرها، نظام شبکه سکونتگاهی در سطح منطقه و کشور تحت تأثیر قرار گرفت و تغییر یافت (محمدپور، ۱۳۹۳: ۵۶۱) که مهم‌ترین جنبه از این تغییرات به توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌نیافتگی نقاط شهری مربوط می‌شود.

تقسیمات کشوری و نقش دولت

تعریف نظریه برنامه‌ریزی تابعی از تعریف خود برنامه‌ریزی، انواع آن و رابطه‌اش با جامعه و دولت و بسیاری عوامل دیگر است (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳)؛ همچنین دولت‌ها یکی از ارکان اصلی اعمال سلطه و قدرت در جوامع در جهت منافع سرمایه‌داری و به نمایندگی از طرف سرمایه هستند و در شکل‌دادن به محیط مصنوع برای تقسیمات به‌واسطه ایفای نقش فعال تخصیص فضا، نماد قدرت تلقی می‌شوند (Harvey, 1997: 14). شهرها در دوره‌های رشد و تحول خود از

عوامل متعددی تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌اند. تصمیمات دولت و تغییر در سطوح تقسیمات کشوری نیز یکی از عواملی است که بر نحوه رشد و گسترش شهر اثرگذار است. اعتلای جایگاه یک شهر یا منطقه در سطوح تقسیمات کشوری، علاوه بر تغییرات سیاسی ممکن است تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بسیاری نیز بر آن شهر یا منطقه داشته باشد (عزیزی و یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). در تبیین دگرگونی‌ها در نقش‌پذیری شهرها و ایفای نقش دولت که زمینه‌ساز توسعه شهرها و شهرنشینی شد، نظریه دولت و شهرنشینی برای پاسخ‌دادن به چرایی و چگونگی توسعه پرشتاب شهر و شهرنشینی در ایران شکل گرفت. در این نظریه بر نقش‌پذیری دولت، ورود دولت به شهرها و زمینه‌سازی توسعه آن‌ها تأکید شده، حتی پیدایش شهرها و ارتقای جایگاه آن‌ها از طریق سرمایه‌گذاری یا تزریق سرمایه دانسته شده است (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۳۴). افزون بر این، همواره بین مرکزیت اداری - سیاسی و تمرکز قدرت (دولت) و سرمایه رابطه مستقیم وجود دارد و تمرکزگرایی و مرکزیت‌یابی شهرها از نظر سیاسی و اداری سبب جذب سرمایه‌گذاری‌ها و گسترش کارکردهای اداری و خدماتی و به دنبال آن پذیرش مهاجران می‌شود (پیلهور، ۱۳۸۸: ۸). دولت در ایران به‌عنوان مهم‌ترین عامل سیاسی، همواره مؤثرترین نقش را در تحولات و دگرگونی ساخت‌وسازهای فضایی از جمله شهرها داشته است (علی‌اکبری و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

مفهوم توسعه و ابعاد آن

توسعه^۱ از مفاهیم مهم زمان ماست؛ به طوری که کشورهای دنیا و اجتماعات بشری براساس آن طبقه‌بندی می‌شوند؛ برای مثال، کشورها را به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته طبقه‌بندی می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۳: ۲). سابقه تاریخی واژه توسعه به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. در آغاز، توسعه برحسب رشد اقتصادی تعریف می‌شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمد و مانند آن نشانه توسعه‌یافتگی جوامع بود. با گذشت زمان و افزایش اختلاف بین رفاه نسبی جوامع گوناگون در داخل یک کشور و کشورهای مختلف، موضوع توزیع عادلانه، کاهش فقر و سهم بیشتر مردم از مواهب توسعه مطرح شد (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

در بیشتر نظریه‌های توسعه، «توسعه» به صورت روشن یا ضمنی تغییرات اساسی در ساختار جامعه است؛ تغییراتی که موجب افزایش ظرفیت‌های تولیدی، بهبود شرایط زندگی و توزیع ثمره‌های آن در جامعه می‌شود. اختلاف اساسی دیدگاه‌های نظری بیشتر در شکل ساختار مناسب، مکانیسم مؤثر برای ایجاد تغییرات و شاخص‌های تعیین‌کننده این تغییرات است (اردشیری، ۱۳۷۹: ۷)، اما آنچه مسلم است، توسعه از نظر مفهومی و شکلی و محتوایی ابعاد گسترده‌ای دارد. توسعه از جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی مانند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، انسانی، کالبدی-فضایی و توسعه زیرساخت‌های شهری سنجیده و اندازه‌گیری می‌شود. در ادامه به معرفی و شرح ابعاد توسعه پرداخته شده است:

توسعه اقتصادی: عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد آن که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است و از دستیابی به غایات مطلوب

نوسازی اقتصادی فراهم می‌شود (ورجوند، ۱۳۶۸: ۸۴). از جمله مفاهیم مربوط به توسعه اقتصادی می‌توان به افزایش سطح سرمایه‌گذاری، افزایش درآمد، کاهش هزینه و افزایش قدرت خرید شهروندان اشاره کرد.

توسعه اجتماعی: عبارت است از امکانات رفاهی برای زندگی بهتر مردم جامعه. در واقع، مؤلفه توسعه اجتماعی امری معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی زندگی انسان است (ارمکی، ۱۳۹۱: ۵) که می‌توان برخی شاخص‌های آن را در بهبود کیفیت زندگی، مسئولیت‌پذیری، تعاملات دوجانبه و حتی عدالت اجتماعی خلاصه کرد.

توسعه فرهنگی: نظامی به نسبت منسجم، متشکل از اجزای غیرمادی شامل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، باورها و اعتقادات، آداب‌ورسوم، دانش و اطلاعات رایج و هنرها و میراث فرهنگی مشترک بین اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (پناهی، ۱۳۷۵: ۹۶). از مفاهیم اساسی در توسعه فرهنگی می‌توان به ارزش‌های اخلاقی، پایبندی به اعتقادات مذهبی و... اشاره کرد.

توسعه سیاسی: وضعیتی است که در آن، نظام سیاسی با در نظر گرفتن سیاست‌های روشن و ایجاد نهادهای مؤثر برای پاسخگویی همه‌جانبه به نیازهای جامعه، ظرفیت و قابلیت خود را افزایش می‌دهد. نظام سیاسی توسعه‌یافته نظامی است که در آن ثبات و تعادل سیاسی، مشارکت افراد در زندگی سیاسی و حاکمیت قانون دیده می‌شود و مردم‌سالاری، شیوه مرسوم حکومتی آن است (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

توسعه انسانی: مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است؛ بنابراین، توسعه انسانی عبارت است از فرایند بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی (UNDP, 2004: 42).

توسعه زیرساخت‌ها و خدمات شهری: یکی از معضلاتی که برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای با آن مواجه هستند، رشد نابرابر شهرها و مناطق است؛ به طوری که با نگاه به توزیع فضایی خدمات در شهرها و مناطق مشخص می‌شود این خدمات به شکل متعادلی توزیع نشده‌اند (تقوایی و اکبری، ۱۳۸۸: ۹۷). توسعه زیرساخت‌های شهری به مفهوم دسترسی یکسان شهروندان به خدمات شهرداری، مراکز بهداشتی، آموزشی، درمانی، ورزشی و... است.

پیشینه پژوهش

بحث نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری به دلیل حساسیت و اهمیت آن در برنامه‌ریزی شهری و توسعه کشور، باید مدنظر برنامه‌ریزان و مسئولان قرار بگیرد. در ارتباط با موضوع پژوهش، مطالعاتی در این زمینه انجام شده، اما تعداد پژوهش‌هایی که به طور مشخص در ارتباط با موضوع نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری در ایران بپردازد، بسیار اندک است.

اطاعت و موسوی (۱۳۸۷)، به طور کلی تقسیمات کشوری و توسعه پایدار را از ایران باستان تاکنون بررسی کرده‌اند. آن‌ها با مقایسه ویژگی‌های نظام تقسیماتی کنونی با شاخص‌های توسعه پایدار دریافتند این نظام تقسیماتی نه تنها در دستیابی به توسعه پایدار موفق نبوده، بلکه مانعی بر سر راه آن است.

پارسی‌پور و رضویان (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای نظام شبکه‌بندی شهری در زیرمنطقه‌های جدید حاصل از تقسیم استان خراسان را بررسی و بیان کردند تقسیمات سیاسی-اداری به‌تنهایی راهگشای متعادل‌سازی نظام شبکه سکونتگاهی نبوده و آنچه مهم است برنامه‌ریزی فضایی در یک شبکه سکونتگاهی منسجم در قالب تهیه و اجرای طرح آمایش سرزمین در این زیرمنطقه‌هاست.

عزیزی و یارمحمدی (۱۳۹۳)، در پژوهشی نقش تأثیر تقسیمات کشوری جدید را در شهر بجنورد نشان داده‌اند. مقایسه نتایج در دو دوره نشان می‌دهد در مجموع، پراکنده‌روی شهر بجنورد افزایش یافته است. رشد مهاجرت‌ها، گسترده‌شدن ساختار دولت، لزوم تأمین خدمات متناسب با نقش و عملکرد منطقه‌ای شهر، همچنین افزایش سرسام‌آور قیمت زمین و مسکن، از علل تأثیرگذار بر گسترش کالبدی شهر بوده است.

ایمانی جاجرمی (۱۳۹۵)، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران را به‌صورت انتقادی پژوهش کرده و بیان می‌کند که اکنون در ایران در نبود مشارکت و نظارت مردمی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری گرفتار دیوان‌سالاری‌های عظیم و رانت‌جویی‌های سازمان‌های عمومی، در مقابله با شرایط شهرنشینی وابسته شکست شده‌اند. آنچه رشد شهرها را هدایت می‌کند، نه چارچوب‌های سیاستی، بلکه منافع گروه‌های قدرتمند سودجویی از زمین و رانت‌های شهری و تقلای تهیدستان شهری برای تصرف زمین و ساخت کاشانه‌ای محقر است؛ شرایطی که تداوم وضعیت شهرنشینی پیرامونی را در پی خواهد داشت.

در پژوهشی دیگر لطفی (۱۳۹۵)، سازمان‌دهی سیاسی فضا را براساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ بررسی کرده و نشان می‌دهد شکاف ملموس نابرابری از نظر سهم شاخص‌های توسعه پایدار در سطح شهرستان‌های استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی است.

رسیدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود، آسیب‌شناسی ژئوپلیتیک تقسیمات کشوری ایران را از منظر آمایش سرزمین بررسی کرده‌اند. در بخش یافته‌های پژوهش نگارندگان به مسئله منطبق نبودن تقسیمات کشوری فعلی ایران بر نواحی جغرافیایی (طبیعی و انسانی) و نیز بی‌توجهی به مؤلفه‌های شکلی در سازمان‌دهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری از جمله عوامل شکل و وسعت و استقرار نامتوازن مراکز استان‌ها پرداخته و چنین نتیجه‌گیری شده است که این آسیب‌ها به‌طور مستقیم بر توسعه، امنیت و توازن فضایی در کشور اثر منفی می‌گذارد.

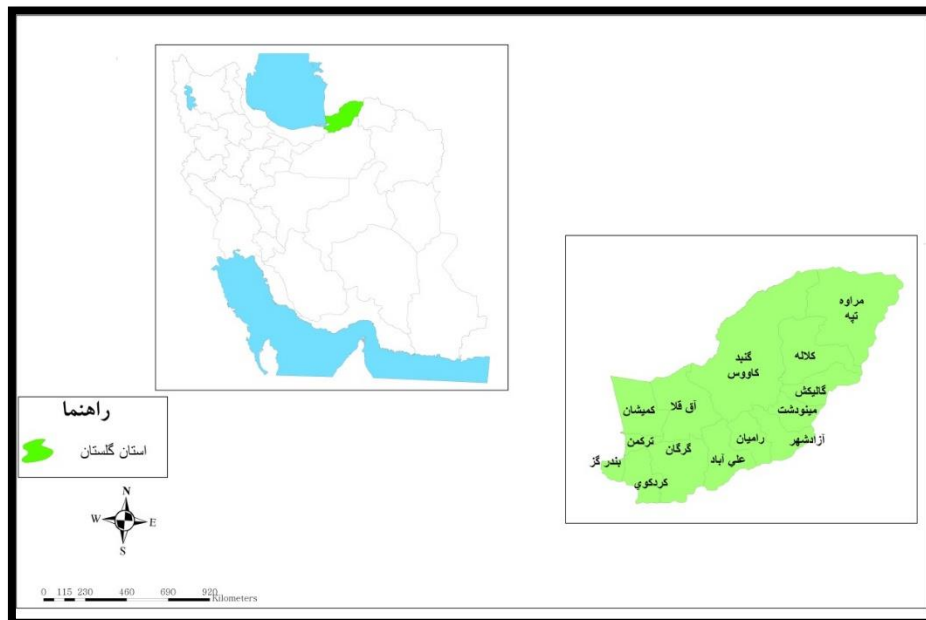
روش‌شناسی

روش پژوهش در این مطالعه به‌صورت ترکیبی از روش‌های تحلیلی و اکتشافی و مطالعات میدانی و پیمایشی است که ابتدا با استفاده از معیارهایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی زیست‌محیطی به بررسی پخشایش و ضریب پراکندگی (DC)^۱ این معیارها در سطح استان گلستان می‌پردازد سپس با استفاده از روش‌های

تصمیم‌گیری چندشاخصه (MODM)^۱ نواحی را با استفاده از میزان برخورداری هریک از آن‌ها از شاخص‌های توسعه رتبه‌بندی می‌کند. روش گردآوری داده‌ها با استفاده از روش میدانی و منبع اصلی اطلاعات داده‌های خام سالنامه آماری استان گلستان است که در تنظیم آن ضمن درج اطلاعات کلی از وضعیت خانوارها، اصول و معیارهای پایداری نواحی تأکید شده است و بخش عمده‌ای از داده‌ها به آن تعلق دارد. در نهایت به منظور نمایش مکانی و فضایی نتایج پژوهش از نرم‌افزار GIS استفاده شده است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان گلستان از سال ۱۳۷۶ از استان مازندران جدا شد و به صورت مستقل درآمد؛ شهرستان گرگان نیز به عنوان مرکز آن برگزیده شد. این استان در محدوده جغرافیایی ۵۴ درجه تا ۵۶ درجه طول شرقی و ۳۶/۳۰ تا ۳۸/۱۵ عرض شمالی و در بین استان‌های مازندران، سمنان و خراسان شمالی قرار دارد. گلستان با ترکمنستان هم‌جوار است و ۳۴۸ کیلومتر مرز خاکی و ۹۰ کیلومتر مرز آبی با این کشور دارد. این استان به دلیل جایگاه جغرافیایی ویژه خود، آب‌وهوای گوناگونی نیز دارد. بخشی از رشته‌کوه البرز شرقی از غرب به سوی شرق استان کشیده شده که گرایش زیادی به سوی شمال شرقی دارد و به تدریج از بلندی کوه‌های آن کاسته می‌شود. جمعیت استان گلستان براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱ میلیون و ۷۷ هزار و ۱۴ نفر است که از این تعداد ۵۱ درصد شهرنشین و ۴۹ درصد روستانشین هستند. این استان از اسفند سال ۱۳۹۰ دارای ۱۴ شهرستان به نام‌های آزادشهر، آق‌قلا، گرگان، گنبد کاووس، بندر ترکمن، گمیشان، رامیان، کردکوی، بندرگز، علی‌آباد کتول، گالیکش، کلاله، مراوه تپه و مینودشت و دارای ۲۶ شهر و ۲۷ بخش و ۶۰ دهستان است.



شکل ۱. موقعیت فضایی استان گلستان؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان اثرگذاری تحولات و تقسیمات سیاسی در استان گلستان و میزان اثرگذاری آن بر توسعه شهری از شش بعد توسعه شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، انسانی و توسعه زیرساخت‌های شهری، همچنین میزان اثرگذاری آن در ۱۴ شهرستان این استان استفاده شده است. در واقع، تحولات و تقسیمات جدید (استان شدن گلستان و تفکیک آن از استان مازندران) و میزان اثرگذاری آن بر میزان و سطح توسعه‌یافتگی در ابعاد مذکور، هدف پژوهش حاضر است.

در جدول ۱ ابعاد و مؤلفه‌های مربوط به توسعه نشان داده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های به‌کاررفته در پژوهش

مؤلفه‌های توسعه	ابعاد توسعه	
سطح سرمایه‌گذاری	اقتصادی	شاخص‌های به‌کاررفته در پژوهش
افزایش درآمد		
کاهش هزینه		
قدرت خرید		
عدالت اجتماعی	اجتماعی	
کیفیت زندگی		
مسئولیت‌پذیری		
تعاملات	فرهنگی	
ارزش‌های اخلاقی		
پابندی به آداب و رسوم		
پابندی به اعتقادات		
دموکراسی	سیاسی	
اتحاد و وحدت		
مشارکت سیاسی		
توسعه امنیت	انسانی	
سطح دانش		
طول عمر و امید به زندگی		
سطح معاش آبرومند		
دسترسی به منابع		
سطح سواد		
دسترسی به خدمات شهری	خدمات و زیرساخت‌های شهری	
دسترسی به مراکز آموزشی، ورزشی، بهداشتی، درمانی و		
تجاری		
ترافیک حمل‌ونقل عمومی		
میلان شهری		

تحلیل مدل SAR

در ابتدا با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه (MADM)^۱ به شناسایی سطح توسعه‌یافتگی در سطح شهرستان‌های استان گلستان پرداخته می‌شود؛ بدین گونه که ابتدا شاخص‌های کیفی به کمی تبدیل شده سپس هر شاخص با توجه به اهمیت آن وزن‌دهی می‌شود. در فرایند تصمیم‌گیری چندشاخصه، تعیین وزن شاخص‌ها اهمیت کلیدی دارد. در این مفهوم هدف از وزن‌دهی آن است که بتوان اهمیت هر شاخص را در مقایسه با شاخص‌های دیگر ارزیابی کرد (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۶۷)؛ زیرا در بسیاری از پدیده‌های جغرافیایی، عوامل و معیارهای متفاوتی نقش دارد که البته همه آن‌ها ارزش یکسانی ندارند.

جدول ۲. شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان گلستان

ابعاد شهرستان‌ها	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	سیاسی	انسانی	زیرساختی
مراوه‌تپه	خیلی کم	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد
کلاله	متوسط	خیلی زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد	متوسط
گالیکش	متوسط	خیلی زیاد	خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	خیلی کم
مینودشت	کم	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	خیلی زیاد	زیاد
آزادشهر	خیلی کم	خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم	متوسط	کم
رامیان	خیلی کم	متوسط	خیلی زیاد	خیلی کم	زیاد	خیلی کم
علی‌آباد	خیلی کم	زیاد	متوسط	خیلی کم	متوسط	خیلی کم
گرگان	خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم	زیاد	متوسط	زیاد
کردکوی	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	خیلی کم
بندر گز	متوسط	زیاد	کم	خیلی کم	خیلی زیاد	خیلی کم
گنبدکاووس	زیاد	خیلی زیاد	زیاد	زیاد	کم	متوسط
آق‌قلا	کم	خیلی زیاد	کم	خیلی زیاد	متوسط	متوسط
گمیشان	متوسط	متوسط	خیلی زیاد	متوسط	زیاد	کم
بندر ترکمن	زیاد	زیاد	متوسط	کم	زیاد	خیلی کم

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های مطرح‌شده در جدول بالا کیفی‌اند که برای اندازه‌گیری باید به مقیاس کمی تبدیل شوند. به منظور تبدیل شاخص‌های کیفی به کمی ارزش‌های متفاوتی وجود دارد که متداول‌ترین آن روش «نمره‌گذاری»^۲ است که عبارت است از تخصیص ارزش عددی برای برخی عبارات‌ها. در این پژوهش از روش

1. Multiple Attribute Decision Making

2. Rating

«نمره‌گذاری ذهنی و فرافکن»^۱ استفاده می‌شود که نخستین قدم برای این منظور تعریف بعدی است که باید نمره‌گذاری شود. این بعد باید تعریف شود تا تمام نمره‌گذاران معنای مشابهی از آن استنباط کنند (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۳۷). باید توجه داشت که نمره‌گذاری معمولاً هنگامی کاربرد دارد که صورت ذهنی یک نگرش یا برداشت مورد نظر باشد. با توجه به روش SP، تبدیل مقیاس شاخص‌های جدول بالا از کیفی به کمی بررسی می‌شود.

جدول ۳. تبدیل مقیاس شاخص‌های کیفی به کمی

زیرساختی	انسانی	سیاسی	فرهنگی	اجتماعی	اقتصادی	ابعاد شهرستان‌ها
۹	۳	۵	۹	۷	۱	مراوه‌تپه
۵	۹	۹	۹	۹	۵	کلاله
۱	۷	۹	۹	۹	۵	گالیکش
۷	۹	۵	۹	۷	۳	مینودشت
۳	۵	۱	۵	۹	۱	آزادشهر
۱	۷	۱	۹	۵	۱	رامیان
۱	۵	۱	۵	۷	۱	علی‌آباد
۷	۵	۷	۱	۵	۹	گرگان
۱	۷	۷	۷	۵	۷	کردکوی
۱	۹	۱	۳	۷	۵	بندر گز
۵	۳	۷	۷	۹	۷	گنبد کاووس
۵	۵	۹	۳	۹	۳	آق‌قلا
۳	۷	۵	۹	۵	۵	گمیشان
۱	۷	۳	۵	۷	۷	بندر ترکمن

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

وزن دهی به شاخص‌ها

یکی از بهترین و ساده‌ترین روش‌ها در تعیین اوزان معیارها، روش آنتروپی است که براساس پراکندگی مقادیر شاخص‌ها، اوزان مربوط به هر شاخص را حساب می‌کند. در آنتروپی این قابلیت وجود دارد که اگر تصمیم‌گیرندگان ارزیابی اولیه‌ای از اهمیت شاخص‌ها داشتند، این ارزیابی دریافت، و اوزان به‌دست‌آمده براساس مدل تعدیل شود؛ بنابراین، هنگامی که داده‌های یک ماتریس تصمیم‌گیری به‌طور کامل مشخص شده باشد، می‌توان با روش آنتروپی وزن‌ها را ارزیابی کرد (مؤمنی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). مراحل کار با روش آنتروپی طی چند مرحله و به‌صورت زیر انجام می‌شود.

1. Subjective and Project (SP)

لازم است مقادیر شاخص‌های کیفی را به مقادیر کمی تبدیل کنیم که این مرحله در جدول ۴ انجام شده است.

جدول ۴. وزن‌دهی به شاخص‌ها

شهرستان‌ها	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	سیاسی	انسانی	زیرساختی
مراوه‌تپه	٪۱۹	٪۸۴	٪۱۴۴	٪۷۰	٪۵۱	٪۱۳۵
کلاله	٪۹۵	٪۱۰۸	٪۱۴۴	٪۱۲۶	٪۱۵۳	٪۷۵
گالیکش	٪۹۵	٪۱۰۸	٪۱۴۴	٪۱۲۶	٪۱۱۹	٪۱۵
مینودشت	٪۵۷	٪۸۴	٪۱۴۴	٪۷۰	٪۱۵۳	٪۱۰۵
آزادشهر	٪۱۹	٪۱۰۸	٪۸۰	٪۱۴	٪۸۵	٪۴۵
رامیان	٪۱۹	٪۶۰	٪۱۴۴	٪۱۴	٪۱۱۹	٪۱۵
علی‌آباد	٪۱۹	٪۸۴	٪۸۰	٪۱۴	٪۸۵	٪۱۵
گرگان	٪۱۷۱	٪۶۰	٪۱۶	٪۹۸	٪۸۵	٪۱۰۵
کردکوی	٪۱۳۳	٪۶۰	٪۱۱۲	٪۹۸	٪۱۱۹	٪۱۵
بندر گز	٪۹۵	٪۸۴	٪۴۸	٪۱۴	٪۱۵۳	٪۱۵
گنبدکاووس	٪۱۳۳	٪۱۰۸	٪۱۱۲	٪۹۸	٪۵۱	٪۷۵
آق‌قلا	٪۵۷	٪۱۰۸	٪۴۸	٪۱۲۶	٪۸۵	٪۷۵
گمیشان	٪۹۵	٪۶۰	٪۱۴۴	٪۷۰	٪۱۱۹	٪۴۵
بندر ترکمن	٪۱۳۳	٪۸۴	٪۸۰	٪۴۲	٪۱۱۹	٪۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

۱. مقدار P_{ij} را برای تمامی شاخص‌ها به‌دست می‌آوریم: تابع ۱؛

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^a a_{ij}}$$

۲. با استفاده از فرمول زیر مقدار اطمینان را به‌دست می‌آوریم: تابع ۲؛

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}]$$

k = مقدار ثابت

برای مثال:

$$E_1 = -0/321[\%94 \ln(\%94) + \%103 \ln(\%103) + \%139 \ln(\%139) + \dots = \dots$$

۳. مقادیر بی‌اطمینانی از طریق تابع ۳ برای شاخص‌ها محاسبه می‌شود:

$$1 - E_j$$

۴. محاسبه اوزان با استفاده از تابع ۴ انجام خواهد شد:

تابع ۴:

$$W_j = \frac{1 - E_j}{\sum_{i=1}^m 1 - E_j}$$

بنابراین برای شاخص‌های مطرح‌شده در این پژوهش اوزان زیر به‌دست خواهد آمد.

جدول ۵. وزن‌دهی به شاخص‌ها

ابعاد	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	سیاسی	انسانی	زیرساختی
وزن W_i	٪۸۹	٪۶۷	٪۵۵	٪۴۳	٪۷۶	٪۹۵

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

رتبه‌بندی نواحی شهری

یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، روش رتبه‌بندی تجمعی ساده^۱ است. در این پژوهش به منظور رتبه‌بندی نواحی شهری از نظرگاه ابعاد شش‌گانه توسعه استفاده شده است. روش SAR بر رتبه‌بندی گزینه‌ها با توجه به شاخص‌های تأثیرگذار بر هریک از آن‌ها مبتنی است. در این روش به استاندارد کردن داده‌ها نیازی نیست؛ زیرا مبنای کار براساس رتبه‌های هریک از گزینه‌هاست. ارزش حاصل از مجموع شاخص‌ها به هر گزینه که با بیشترین میزان همراه است، اولویت هر گزینه را مشخص می‌کند. محاسبه مجموع ارزش عددی هر گزینه با توجه به وزن هریک از شاخص‌ها از طریق تابع ۵ مشخص و برآورد می‌شود (9: Geldermann and Rentz, 2000).

تابع ۵:

$$V_{aj} = \frac{1}{T} \sum_{K=1}^K W_k \cdot R_k(f_k(a_t))$$

که:

W_k = وزن هر شاخص

T = تعداد کل گزینه‌ها

R_k = ترتیبی رتبه

گفتنی است روش SAR روشی کارآمد با استفاده وسیع در رتبه‌بندی گزینه‌هاست که در آن به مراحل زیر توجه می‌شود:

- تعیین شاخص‌ها و گزینه‌ها برحسب موضوع و اولویت‌بندی؛

- تعیین وزن هریک از شاخص‌ها برحسب درصد؛

- تعیین رتبه‌های هریک از گزینه‌ها در تعامل با شاخص‌ها؛

- محاسبه رتبه‌های وزنی هریک از گزینه‌ها در تعامل با شاخص‌ها.

درخصوص رتبه‌های وزن‌دار شده، اگر رتبه ۱ به شرایط مطلوب داده شده باشد، میزان $V(a_t)$ هر قدر ارقام کمتری را نشان دهد گزینه‌های مورد نظر اولویت بیشتری دارند؛ در غیر این صورت رابطه عکس خواهد شد.

جدول ۶. رتبه‌بندی ترتیبی با استفاده از روش SAR

ابعاد توسعه	مراوده	کلان	گالیکس	مینودشت	آرادشهر	رامین	علی‌آباد	گران	کردکوی	بندرگز	گنبد کاووس	آق‌قلا	گمشان	ترکمن	وزن W_i
اقتصادی	۱۴	۱۲	۱۳	۷	۱۱	۶	۲	۱	۹	۸	۴	۵	۱۰	۳	٪۸۹
اجتماعی	۱۳	۱۱	۱۰	۱۲	۱	۹	۱۴	۲	۴	۶	۵	۷	۸	۸	٪۶۷
فرهنگی	۱۱	۱۲	۱۰	۹	۱۳	۱۴	۵	۱	۴	۷	۶	۳	۸	۲	٪۵۵
سیاسی	۸	۹	۱۰	۵	۱۱	۱۳	۱۴	۲	۶	۱۲	۳	۴	۷	۱	٪۴۳
انسانی	۷	۱۴	۸	۴	۳	۱۱	۱۰	۱	۹	۶	۵	۱۲	۱۳	۲	٪۷۶
زیرساختی	۱۲	۱۴	۶	۷	۵	۱۳	۴	۱	۸	۹	۳	۱۰	۱۱	۲	٪۹۵

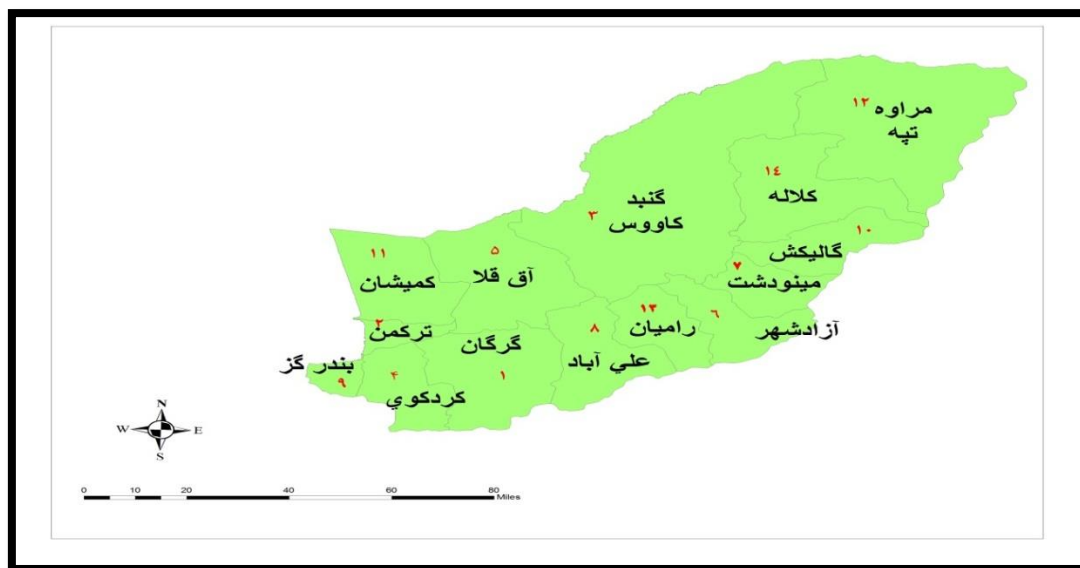
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۷. رتبه‌های وزن‌دار شده براساس مدل SAR

ابعاد توسعه	مراوده	کلان	گالیکس	مینودشت	آرادشهر	رامین	علی‌آباد	گران	کردکوی	بندرگز	گنبد کاووس	آق‌قلا	گمشان	ترکمن	وزن W_i
اقتصادی	۱۲/۴۶	۱۰/۶۸	۱۱/۵۷	۶/۲۳	۹/۷۹	۵/۳۴	۱/۷۸	۰/۸۹	۸/۰۱	۷/۱۲	۳/۵۶	۴/۴۵	۸/۹	۲/۶۷	٪۸۹
اجتماعی	۸/۷۱	۷/۳۷	۶/۷	۸/۰۴	۰/۶۷	۶/۰۳	۹/۳۸	۲/۰۱	۲/۶۸	۴/۰۲	۳/۳۵	۱/۳۴	۴/۶۹	۵/۳۶	٪۶۷
فرهنگی	۶/۰۵	۶/۶	۵/۵	۴/۹۵	۷/۱۵	۲/۷۵	۲/۷۵	۰/۵۵	۲/۲	۳/۸۵	۳/۳	۱/۶۵	۴/۴	۱/۱	٪۵۵
سیاسی	۳/۴۴	۳/۸۷	۴/۳	۲/۱۵	۴/۷۳	۵/۵۹	۶/۰۲	۰/۸۶	۲/۵۸	۵/۱۶	۱/۲۹	۱/۷۲	۳/۰۱	۰/۴۳	٪۴۳
انسانی	۵/۳۲	۱۰/۶۴	۶/۰۸	۳/۰۴	۲/۲۸	۸/۳۶	۷/۱۶	۰/۷۶	۶/۸۴	۴/۵۶	۳/۸	۹/۱۲	۹/۸۸	۱/۵۲	٪۷۶
زیرساختی	۷/۸	۱۳/۳	۵/۷	۶/۶۵	۴/۷۵	۱۲/۳	۳/۸	۰/۹۵	۷/۶	۸/۵۵	۲/۸۵	۹/۵	۱۰/۴۵	۱/۹	٪۹۵
مجموع	۴۳/۷۸	۵۲/۴۶	۳۹/۸۵	۳۱/۰۶	۲۹/۳۷	۴۴/۷۷	۳۱/۳۳	۶/۰۲	۲۹/۹	۳۳/۲۶	۱۸/۱۵	۲۷/۷۸	۴۱/۳۳	۱۲/۹۸	
T=10	۴/۳۷	۵/۲۴	۳/۹۸	۳/۱۰	۲/۹۳	۴/۴۷	۳/۱۳	۰/۶	۲/۹	۳/۳۲	۱/۸۱	۲/۷۷	۴/۱۳	۱/۲۹	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

براساس روش SAR شهرستان گرگان با ضریب ۰/۶ بیشترین سطح توسعه و شهرستان کلاله با ضریب ۵/۲۴ کمترین سطح توسعه را بین شهرستان‌های استان گلستان دارند. در واقع، در این روش هرچه عدد به دست آمده از مرحله نهایی کوچک‌تر باشد به شرایط مطلوب نزدیک‌تر است و بالعکس.



شکل ۲. نقشه نهایی روش SAR؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

نتیجه‌گیری

تحولات و تقسیمات سیاسی اداری در فضا، رابطه تنگاتنگی با الگوهای رشد و توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی توزیع خدمات شهری در سطح مناطق و نواحی شهری دارد. این تحولات و تقسیمات با دو هدف بهینه‌کردن مکان‌ها، کارکردها و فعالیت‌ها در سطح فضا صورت می‌گیرد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶) در واقع هدف دولت‌ها از تقسیمات کشوری عبارت است از:

اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی، نظام سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی، ایجاد وحدت و امنیت، توسعه هماهنگ و پایدار، فراهم کردن زمینه برای عرضه خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، نظارت سیاسی برای رسیدن به هدف‌های ملی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، ناراحتی‌ها و...، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود و ایجاد توسعه شهری.

آنچه در این بین مسلم است توسعه، ابعاد گسترده‌ای از نظر مفهومی و شکلی و محتوایی دارد و از جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی مانند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، انسانی، کالبدی- فضایی و حتی توسعه زیرساخت‌های شهری سنجش و اندازه‌گیری می‌شود. از سوی دیگر، شهرها به‌منظور بهره‌برداری صحیح از امکانات موجود و استعدادهای مناطق مختلف و ارائه خدمات بهتر، همچنین ایجاد تسهیلات لازم برای شهروندان به تقسیم کار و تفویض اختیارات نیاز دارند که براساس معیارها و ملاک‌های خاص و با توجه به نیاز، سازمان و تشکیلات خود را براساس این واحدها

سازمان دهی و تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ همچنین با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر تقسیمات سیاسی به‌عنوان سازمان دهی فضایی-سیاسی به‌منظور تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری انجام می‌شود. از اهداف اصلی آن نیز ایجاد بستر لازم برای رشد متوازن منطقه‌ای و جلوگیری از رشد نامتوازن مناطق مختلف درون کشور ماست، اما اگر سازمان دهی سیاسی فضا با شاخص‌های علمی و منطقی انجام نشود مناطق مختلف درون کشور و درون استانی دچار رشد نامتوازن خواهد شد و بی‌تعادلی منطقه‌ای از نمودهای بارز آن خواهد بود؛ بدین منظور با توجه به اهمیت پژوهش در مقاله حاضر به بررسی نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری در استان گلستان با استفاده از مدل SAR پرداخته‌ایم. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان اثرگذاری تقسیمات سیاسی کشور (استان‌شدن گلستان) بر توسعه شهری بین شهرستان‌های استان گلستان است که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و پیمایش میدانی به آن پرداخته شده است. روش به‌کاررفته در این پژوهش استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره و مدل تحلیلی SAR است که به بررسی و تحلیل میزان اثرگذاری تحولات جدید سیاسی استان گلستان بر روند توسعه در شش بعد پرداخته است. ابتدا شاخص‌های کیفی تبدیل به کمی سپس با توجه به اهمیت آن هر شاخص وزن دهی می‌شود که با توجه به روش «نمره‌گذاری ذهنی و فرافکن»^۱ بدین منظور استفاده شده است. درنهایت براساس روش SAR مشخص شد شهرستان گرگان با ضریب ۰/۶ بیشترین سطح توسعه را دارد و بعد از آن شهرستان‌های بندر ترکمن و گنبدکاووس در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند؛ همچنین شهرستان کلاله با ضریب ۰/۲۴ کمترین سطح توسعه را بین شهرستان‌های استان گلستان دارد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۶)، «مدل تحلیلی در ساماندهی فضاهای ناحیه‌ای، مورد مطالعه: ناحیه یسنگان خاش»، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۹، شماره ۷، صص ۳۵-۵۳.
- احمدی پور، زهرا، رحمتی، منصور و محمدرضا حافظانیا (۱۳۹۱)، «تأثیر ارتقای سطح سیاسی فضایی بر گسترش توریسم استان اردبیل»، برنامه‌ریزی آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۴۷.
- اردشیری، مهیار (۱۳۷۹)، «توسعه پایدار و مدیریت شهری»، مدیریت شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱-۱۴.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «توسعه فرهنگی، ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خردادماه، تهران.
- _____ (۱۳۷۵)، «نظام فرهنگی، کارکردها و دگرگونی آن»، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت.
- تقوایی، علی‌اکبر و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۵)، «توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۳۶-۴۷.
- حافظانیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی، جلد اول، قم: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه.

- سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۴)، «روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۳.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه‌و بودجه، تهران.
- صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله و منصور استادی سیسی (۱۳۸۸)، «راهبرد توسعه شهر مبتنی بر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر شبستر)»، جغرافیا (نشریه انجمن جغرافیایی ایران)، دوره هفتم، شماره ۲۲، صص ۶۵-۸۲.
- محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۹۳)، «تقسیمات سیاسی فضا و تعادل در نظام شهری منطقه، استان خراسان رضوی»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره دوم، شماره ۴، صص ۵۵۹-۵۷۵.
- مؤمنی، منصور (۱۳۸۲)، «انتخاب روش بهینه انتقال آب به مزارع نیشکر در استان خوزستان»، مجله مدرس، دوره هفتم، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- ذکی، یاشار، حیدری موصولو طهمورث و حجت‌الله رحیمی (۱۳۹۳)، «نقش مدیریت سیاسی فضا در برنامه‌های توسعه شهری با تأکید بر ایران»، هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه خوارزمی.
- اسکندری، زهرا (۱۳۹۶)، بررسی جایگاه سازمان‌دهی سیاسی فضا در آمایش سرزمینی استان سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- برهانی، کاظم (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی تأثیر ارتقای مدیریت سیاسی فضا در تعادل‌های ناحیه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- لطفی، حیدر (۱۳۹۵)، «سازمان‌دهی سیاسی فضا براساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ»، پژوهش‌نامه خراسان بزرگ، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۷۵-۹۰.
- رشیدی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی ژئوپلیتیک تقسیمات کشوری ایران از منظر آمایش سرزمین»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- ایمانی شاملو، جواد، رفیعیان، مجتبی و هاشم داداش‌پور (۱۳۹۵)، «سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت»، ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۳۵.
- اجلالی، پرویز، رفیعیان، مجتبی و علی عسگری (۱۳۹۲)، نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید، تهران: انتشارات آگه.
- عزیزی، محمدمهدی و سیما یارمحمدی (۱۳۹۳)، «تأثیر تقسیمات کشوری جدید بر پراکنده‌رویی شهری (مطالعه موردی: شهر بجنورد)»، هنرهای زیبا، دوره نوزدهم، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- پیشه‌ور، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، ارتقایابی مرکزیت ناحیه‌ای و تحولات ساختاری-کارکردی شهر؛ مورد بجنورد، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت‌معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی؛ نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک، تحقیقات جغرافیایی، دوره نهم، شماره ۱: ۱۷-۲۶.
- علی‌اکبری، اسماعیل و محمد فرجی دارابخانی (۱۳۸۵)، «شهرهای اداری-سیاسی و ناپایداری شهری»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۶، صص ۱۵۵-۱۷۸.
- پارسی‌پور، حسن و محمدتقی رضویان (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر نظام شبکه‌بندی شهری در زیرمنطقه‌های جدید حاصل از تقسیم استان خراسان»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره دوم، شماره ۶، صص ۴۳-۵۵.

اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی (۱۳۸۷)، «تقسیمات کشوری و توسعه پایدار، مطالعه موردی: ایران»، ژئوپلیتیک، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۵۷-۷۴.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵)، بررسی انتقادی سیاستها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۲.

UNDP (2004), *Report of development and challenges in developing country*, UNDP general report. First press 125.

Geldermann. J and Rentz. O. (2000), *Bridging the Gap between American and European MADM approaches? Proceeding of 51st Meeting of the European working group multi-criteria aid for decisions.*

Healey, P. (1997), *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies*, London: Macmillan.